

باسمه تعالی

## عنوان مقاله : گریه و بکاء از منظر قرآن و روایات

نویسنده: عبدالرضا امیددی نقلبری دبیر آموزش و پرورش ناحیه 1 قم، دارنده مدرک کارشناسی ارشد رشته الهیات و

معارف اسلامی ، گرایش علوم قرآن و حدیث از ایران

آدرس: ایران، قم، بلوار 15 خرداد، روبروی دانشگاه آزاد، مجتمع بهارستان ، بهار 24، واحد 6

آدرس ایمیل: [Afsanehjamshidi552@yahoo.com](mailto:Afsanehjamshidi552@yahoo.com)

### چکیده:

گریه یا بکاء مقوله ای است که نقش به سزایی در سلامت و یا عدم سلامت جسمی و روانی انسان داشته و مکمل رفتار انسان در جهت کسب سعادت و یا شقاوت اخروی وی می باشد؛ شناخت انواع آن در حیطه های مختلف، آثار مثبت و منفی آن و موارد حسن و قبح و حد و مرزش تکلیف ما را در چگونگی استعمال این موهبت الهی معین خواهد ساخت. این مجموعه بر آن است تا ضمن پرداختن به این مبحث، رابطه آن را با زندگی دنیوی و اخروی انسان و درجه حساسیت آن را از منظر دین و موقعیتش را در رفع حوائج مادی و معنوی انسان و رابطه آن مقوله را با تعقل و تفکر، مورد بررسی قرار دهد.

**کلید واژه ها:** بکاء، گریه، قرآن، روایات، تفسیر موضوعی

Article title: cry and boka` perspective of quran and traditions

First name and last name: abdolreza omidi noghlebari , a teacher in qom, MASTER of science in the Quran and hadith

Address: iran , qom , blvd 15 khordad , in front of the university , complex of baharestan , bahar 24, unit 6

email: [afsanehjamshidi552@yahoo.com](mailto:afsanehjamshidi552@yahoo.com)

### Abstract:

Crying or boka` is an issues that play an important role in human health or lack of physical and mental health and complementary of human behavior in order to gain eternal happiness or misery . Understanding of its types in the different areas, its positive and negative effects or its goodness and evil and its limitation , will

determine our duty on how to use this divine gift. This article intends to address this issue and its role in human life or the hereafter and degree of its sensitivity from the perspective of religion and its position in meeting the spiritual and material needs of man and the relationship between these categories with mind and intellect .

**Keywords:** Boka` , Cry, Quran, Traditions, Thematic commentary

## 1-مقدمه:

بکاء یا گریه، همچون خنده، هدیه‌ای است که از سوی خدای متعال به بشر ارزانی شده است؛ به گونه‌ای که جهت تلطیف روح و تقرب به ذات اقدس حق، لازم و ضروری است. به گونه‌ای که بدون آن فضای قلب سخت و متصلب شده و پذیرای احساسات پسندیده انسانی نخواهد بود. این مجموعه بر آن است، تا ضمن بیان انواع گریه در حیطه‌های مختلف، گریه ممدوح و مذموم را بطور جداگانه از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار داده، به بیان آثار مطلوب گریه ممدوح پردازد؛ بیان حد و مرز گریه در حوزه‌های مختلف یکی دیگر از مأموریت‌های این مجموعه می‌باشد.

## 2-معنی لغوی بکاء

در مفردات آمده: بکاء به مد یعنی جاری شدن اشک از روی اندوه و آه و زاری. (راغب اصفهانی، 1412ق، ج 1، ص 141)  
همچنین در این مجموعه آمده (بکاء) هنگامی به مد گفته می‌شود که صدا بیش از اندوه باشد مثل رغاء و ثغاء و اگر اندوه بیش از صدا باشد با قصر می‌آید. (همان)  
نویسنده تحقیق نیز در این کتاب بیان داشته بکاء همراه خروج اشک به قصر گفته می‌شود و هنگام اراده صوت به مد. وی همچنین در ادامه آورده بکت السحابه یعنی باران بارید و التبکاء یعنی زیادی گریه و تبکی یعنی تکلف در گریه و البکی یعنی زیاد گریه کننده. (مصطفوی، 1368ق، ج 1، ص 326)

البته در تایید این مطلب روایتی نیز وارد شده که در بخش گریه بچه‌ها به آن خواهیم پرداخت.

## 3-فصل دوم

### 2-3 انواع گریه از نظر حالات انسان

در حالت های مختلف، گریه های متنوعی از انسان سر میزند که در ذیل به بررسی آنها می پردازیم:

### 3-2-1 گریه خشوع

گریه خشوع یکی از بهترین نمونه‌های گریه است؛ البته این در صورتی است که خشوع، در برابر ذات احدیت باشد و نه در برابر غیر آن، که یا شرک است و یا ذلت و خواری به همراه دارد؛ ذکر این نکته نیز ضروری است که گریه خاشعانه در برابر مراقد مطهر معصومین و امامزادگان جنبه واسطه‌ای داشته و به طور غیرمستقیم این خشوع، به ذات اقدس حق برمی‌گردد چرا که ما، معصومین را به دلیل ارتباطشان با خدا مورد تکریم قرار می‌دهیم و اما مقصود از گریه خشوع در اینجا، خشوع در برابر خداوند است.

در تفسیر المیزان در شرح آیه 109 سوره اسراء که می‌فرماید: « وَ يَخْرُونَ لِلْأَذْفَانِ يَبْكُونَ وَ يَزِيدُهُمْ خُشُوعًا »؛ آنها (بی‌اختیار) به زمین می‌افتند و گریه می‌کنند و (تلاوت این آیات، همواره) بر خشوعشان می‌افزاید. آمده: «قبلاً خروار برای سجده را که معنای خشوع را می‌رساند فرموده بود (در دو آیه قبل) در این جمله مجدداً آن را به اضافه گریه آورده تا معنای خشوع را افاده کند زیرا خروار به تنهایی تذلل و اظهار حقارت با جوارح بدنی است و خشوع، تذلل و اظهار مذلت با قلب است؛ پس خلاصه آیه چنین می‌شود: ایشان برای خدا خضوع و خشوع می‌کنند.» (طباطبائی، 1417ق، ج 13، ص 222)

صاحب الاصفی گفته: «تکرار کرده آن را به دو حال مختلف؛ و آن دو عبارتند از: به خاک افتادنشان برای شکر و به خاطر انجام وعده، با حالت سجده بودنشان، و دوم به خاک افتادن آنها هنگامی که موعظه‌ها در آنها اثر می‌کند در حالی که گریه می‌کنند و ذقن را ذکر کرد بر اینکه اولین چیزی که از صورت سجده کننده به زمین برخورد می‌کند چانه است.» (فیض کاشانی، 1418ق، ج 1، ص 701)

همچنین علامه در شرح آیه 58 سوره مریم که فرموده: «... إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا »؛ .... وقتی آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می‌شد به خاک می‌افتادند در حالی که سجده می‌کردند و گریان بودند.» آورده: «سُجَّدًا در جمله «خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» جمع ساجد است و کلمه بُكِيٌّ بر وزن فُعول جمع باکی است و جمله مذکور خبر است برای کلمه الذین که در صدر آیه است. احتمال هم دارد که به خاک افتادن برای سجده با حالت گریه، کنایه باشد از کمال خضوع و خشوع، زیرا سجده مجسم کننده کمال خضوع و گریه مجسم کننده کمال خشوع است و بنابراین معنا جا دارد مقصود از آیات و تلاوت آن یادآوری هر چیزی باشد که شأنی از شؤون خدای تعالی را حکایت می‌کند. (طباطبائی، 1417ق، ج 14، ص 77)

تفسیر علامه در این دو آیه معنای تام و کاملی را از خضوع و خشوع بیان داشته و نشان می‌دهد که کمال خشوع همیشه با گریه همراه است، گویی که نرمش دل با حالت خشوع کلیدی است برای نرمش چشم و به تبع آن خروج اشک و سپس همین اشک عامل دفع اغیار از قلب می‌شود و به اصطلاح سلاحی می‌شود برای محافظت از قلب به همین دلیل است که در دعای کمیل گریه به عنوان سلاح مؤمن قلمداد شده، آنجا که امیرالمؤمنین (ع) به درگاه خداوند می‌فرماید: «ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ؛ رحم کن کسی را که سرمایه اش امید و سلاحش گریه است.» (ابن طاووس، 1376ش، ج 3، ص 335؛ کفعمی، 1405ق، ص 560)

### 3-2-2 گریه فراق

گریه فراق ناشی از محبت وافر نسبت به دوری از شخصیتی است که هرچه این شخصیت محترم‌تر باشد درجه حزن بیشتر و به تبع آن گریه فراق بیشتر و دردناکتر خواهد بود.

در وسائل الشیعه از قول امام صادق (ع) آمده: «وَ أَمَّا فَاطِمَةُ (ع) فَبَكَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى تَأْدَى بِهَا أَهْلُ الْمَدِينَةِ فَقَالُوا لَهَا قَدْ آذَيْنَا بِكَثْرَةِ بُكَائِكَ؛ و اما فاطمه پس گریه کرد بر رسول خدا تا اینکه اهل مدینه از آن اذیت شدند و به او گفتند ما را با گریه بسیار خود اذیت کردی.» (شیخ حرعاملی، 1409ق، ج 3، ص 281)

صاحب تفسیر العیاشی نیز از قول همین امام همام (ع) روایت کرده که: «و اما یوسف در زندان بر پدرش گریه می کرد و اهالی زندان از گریه او اذیت شدند سپس مصالحه کردند یک روز گریه کند و یک روز ساکت باشد.» (عیاشی، 1380ق، ج 2، ص 177)

همچنین در سوره یوسف در مورد گریه یعقوب (ع) در فراق وی آمده: «وَ تَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَى عَلَى يُوسُفَ وَ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ □□ (یوسف/84)؛ و از آنها روی برگرداند و گفت: «وا اسفا بر یوسف» و چشمان او از اندوه سفید شد اما خشم خود را فرو می برد (و هرگز کفران نمی کرد)».

### 3-2-3 گریه شوق

در مورد گریه سنگ گفته شد که آن سنگ، یکی از علل گریه خود را گریه شوق می دانست. از روایات برمی آید که گریه شوق نه تنها چیز مذمومی نیست بلکه همپایه شکر در برابر نعمت های الهی شمرده شده است.

خصیبی در الهدایه الکبری از قول امام حسن عسکری (ع) روایت کرده که: «إِنَّ الْبُكَاءَ مِنَ السَّرورِ بِنِعْمِ اللَّهِ مِثْلُ الشُّكْرِ لَهَا فَطَيَّبُوا نَفْسًا وَقَرُّوا عَيْنًا؛ قطعاً گریه از شادی (گریه شوق) نسبت به نعمت خدا مثل شکر به آن است پس خوش آیند نفس و مایه آرامش و روشنی چشم است.» (خصیبی، 1419ق، ص 345)

### 3-2-4 گریه حيله

گاه، گریه جهت فریب و یا مشتبه ساختن امور بر دیگران می باشد. سبزواری در ارشاد الازدهان در تفسیر آیه 16 سوره یوسف که می فرماید: «وَ جَاؤُاْ اَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ □□؛ (برادران یوسف) شب هنگام، گریان به سوی پدرشان آمدند.» آورده: «یعنی برادران یوسف آخر روز یا شبی نزد پدرشان یعقوب برگشتند در حالی که تظاهر به ناراحتی می کردند برای اینکه امر را بر او وارونه جلوه دهند در حالی که گمان می کردند که راست می گویند.» (سبزواری نجفی، 1419ق، ص 242)

در تفسیر بیان السعاده نیز در شرح همین آیه آمده: «پس از آنکه یوسف را به چاه انداخته بزغاله های را کشتند و پیراهن یوسف را به خون آغشته کردند و گریه کنان پیش پدر آمدند.» (گنابادی، 1408ق، ج 2، ص 350)

صاحب تفسیر الکاشف نیز گفته: «مخفی نگه داشتند آنچه را که زینت دادند از دروغ و تزویر.» (مغنیه، 1424ق، ج 4، ص 295)

### 3-2-5 گریه از خوف خدا

از جمله گریه هایی که محافظت و نگهداری قلب را از ورود اغیار به عهده دارند گریه از خوف خداست. گریه از خوف خدا نه تنها عامل بازدارنده از گناه است بلکه عامل ارتقاء درجات معنوی انسان نیز می باشد. علی (ع) فرموده اند: «(علامت) عبودیت پنج چیز است، خالی بودن شکم و قرائت قرآن و قیام شب و تضرع هنگام صبح و گریه از خوف خدا.» (نوری، 1408ق، ج 11، ص 244)

روایت شده هنگامی که زید، شاگرد امام صادق(ع) به امام(ع) عرضه می‌دارد که می‌ترسم از مؤمنین نباشم، امام(ع) در پاسخ یکی از صفات مؤمنین را «الْعُمْشُ الْعُيُونِ مِنَ الْبُكَاءِ» معرفی می‌کند یعنی چشمشان از گریستن (دائمی) به ضعف گراییده. (عده‌ای از علما، 1423ق، ص 128)

### 3-2-5-1 آثار مثبت گریه از خوف خدا

در روایات اسلامی برای گریه از خوف خدا آثار متعددی را برشمرده اند که به بررسی آنها می‌پردازیم:

#### 3-2-5-1-1 کلید رحمت

گریه از ترس خدا زمینه را برای جالب رحمت الهی ایجاد می‌کند و به بیان دیگر همانگونه که گریه خشوع سلاحی است برای محافظت قلب، گریه از خوف خدا نیز کلیدی است برای گشایش رحمت الهی و باید گفت این دو لازم و ملزوم یکدیگرند و تصور یکی بدون دیگری امکان پذیر نمی‌باشد به گونه‌ای که می‌توان گفت خشوع مقدمه خوف و خوف مقدمه خشوع است.

در ارشاد القلوب از قول رسول اکرم(ص) آمده: «الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ وَ عِلْمَةُ الْقَبُولِ وَ الْإِجَابَةِ؛ گریه از خوف خدا کلید رحمت، علامت قبولی (در درگاه خدا) و در اجابت است.» (دیلمی، 1412ق، ج 1، ص 98)

#### 3-2-5-2-1 خانه های بهشتی

روایت شده از امام باقر(ع) که پیامبر(ص)، علی(ع) را به چند امر مهم سفارش کرد؛ امام(ع) یکی از این سفارشات را گریه از خوف خدا معرفی نموده و از قول پیامبر(ص) می‌فرماید: «به هر قطره اشکی، خداوند خانه‌ای در بهشت بنا می‌کند.» (ابن بابویه، 1413ق، ج 4، ص 189؛ کوفی اهوازی، 1402ق، ص 22؛ ورام بن ابی فراس، 1410ق، ج 2، ص 50)

در روایت دیگری از امام صادق(ع) این حدیث به گونه‌ای دیگر آمده و ذکر شده که به هر قطره اشکی خداوند هزار خانه در بهشت بنا می‌کند. (کلینی، 1407ق، ج 8، ص 79؛ ابن فهد حلی، 1407ق، ص 171)

#### 3-2-5-3 خاموش کردن آتش

از امام صادق(ع) روایت شده که: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَلَّا وَ لَهُ كَيْلٌ أَوْ وَزْنٌ إِلَّا الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنَّ الْقَطْرَةَ مِنْهُ تُطْفِئُ بَحَاراً مِنَ النَّيرانِ؛ هر چیزی پیمانه یا وزنی دارد مگر گریه از خوف خدای عزوجل که قطعاً قطره‌ای از آن دریاهایی از آتش را خاموش می‌کند.» (ابن بابویه، 1413ق، ج 1، ص 317؛ فیض کاشانی، 1406ق، ج 8، ص 880)

نکته: در این زمینه محتمل است مصداق دریاهای آتش این موارد باشد. 1. دریاهای آتش برزخ یا جهنم 2. دریاهای آتش گناهان 3. دریاهای آتش بلایا. هر چه باشد این مسأله قطعی است که کمیت این آتش‌ها به کیفیت آن گریه بستگی دارد به طوری که اگر از مرحله احساس زودگذر فراتر نهاده و به مرحله معرفت جزئی نائل شود و از معرفت جزئی و سطحی نیز به معرفت عالی برسد، در هر کدام از این مراحل کمیت این دریاهای آتش تغییر خواهد یافت؛ به بیان ساده‌تر اگر گریه (از خوف خدا) از روی احساس زودگذر باشد در این صورت آتش کمتری را خاموش خواهد کرد. حال اگر به مرحله بالاتر رفته و گریه وی همراه با معرفت باشد در این صورت چنانچه معرفت انسان جزئی باشد گرچه نسبت به مرحله ماقبل، آتش بیشتری

را خاموش خواهد کرد ولی نسبت به معرفت بالاتر از خود ناقص خواهد بود و همینطور تا برسد به مرحله معرفت عالی؛ به نظر می‌رسد یک قطره اشکی که دریا‌های آتش را خاموش می‌کند مربوط به همین مرحله باشد.

### 3-2-5-1-4 گسترش رحمت الهی

در اهمیت گریه از خوف خدا همین بس که این گریه آنچنان بر عالم تکوین اثر می‌گذارد که موجب گسترش سیطره رحمت الهی شده و این رحمت الهی علاوه بر گریه کننده، امت وی را نیز شامل می‌شود. امام صادق(ع) در ادامه روایت ذکر شده در قسمت قبل می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ بَاكِيًا بَكَى فِي أُمَّةٍ تُرَحِّمُوا؛ و اگر گریه کننده‌ای (از خوف خدا) در امتی بگرید قطعاً (آن امت) مورد رحمت (خدا) واقع می‌شود.» (همان)

### 3-2-5-1-5 روشنای قلب

لیثی در عیون الحکم خود از امیرالمؤمنین علی(ع) نقل می‌کند: «البكاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ تَعَالَى يُنِيرُ الْقَلْبَ؛ گریه از ترس خداوند تعالی قلب را روشن و نورانی می‌کند.» (لیثی واسطی، 1376ش، ص 21؛ تمیمی آمدی، 1410ق، ص 112)

علت این امر آن است که قلب وقتی در معرض گناهان قرار می‌گیرد به تدریج کدر و سیاه شده و نورانیت خود را از دست می‌دهد. همچون لوح سفیدی که با افزایش سیاهی‌ها شفافیت و سفیدی خود را از دست می‌دهد. معجزه گریه از خوف خدا آن است که با فرو ریختن اشک، آن سیاهی‌ها و کدورت‌ها و چرک‌ها از صفحه قلب به همراه اشک خارج شده و قلب، نورانیت ابتدائی خویش را باز می‌یابد.

### 3-2-5-1-6 محو گناهان و جلوگیری از بازگشت به گناه

در روایت است که: «البكاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ تَمَحَّصُ الدُّنُوبَ؛ گریه از خوف خدا گناهان را پاک می‌گرداند.» (لیثی واسطی، 1376ش، ص 186)

گریه از خوف خدا علاوه بر اینکه گناهان قبلی را پاک می‌سازد، موجب حفظ انسان از بازگشت به گناه نیز می‌شود یعنی هم درمان می‌کند و هم پیشگیری، و این همان است که قبلاً از آن به محافظ قلب و سلاح مؤمن یاد شد. امیرالمؤمنین علی(ع) فرموده‌اند: «البكاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ تَعَالَى ..... يَعْصِمُ عَنْ مُعَاوَدَةِ الدَّنْبِ؛ گریه از ترس خداوند تعالی ..... باز می‌دارد (انسان را) از بازگشت به گناه.» (همان، ص 21؛ تمیمی آمدی، 1410ق، ص 112)

### 3-2-5-1-7 نجات از آتش

روایتی است از امام حسین(ع) که می‌فرماید: «البكاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ نَجَاءٌ مِنَ النَّارِ؛ گریه از خوف خدا، (عامل) نجات از آتش است.» (شعیری، بی تا، ص 97)

البته زمانی که گریه از ترس خدا خاموش کننده دریا‌های آتش باشد، طبیعتاً نجات از آن را هم در بر خواهد داشت.

### 3-2-5-1-8 زمینه سازی برای دعا

پیوندی که گریه از خوف خدا بین عابد و معبود برقرار می‌سازد بهترین فرصتی است برای دعا و درخواست از منبع صدور اشک چرا که غالباً گریه از خوف خدا و نیز گریه خشوع، در حالت سجده رخ می‌دهد و از طرفی بر طبق روایات اسلامی، می‌دانیم که سجده بهترین حالت مؤمن در نماز است. بنابراین چنین حالتی پیوندی ناگسستنی بین عابد و معبود ایجاد می‌کند که باید چنین فرصتی را غنیمت شمرد.

طبرسی در مکارم الاخلاق خود از قول امام علی(ع) روایت کرده: «بِكَاءِ الْعَيُونِ وَ خَشْيَةِ الْقُلُوبِ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى، فَاذَا وَجَدْتُمُوهَا فَأَعْتَنِمُوا الدُّعَاءَ؛ گریه چشم‌ها و ترس همراه با خشوع قلب‌ها، از رحمت خدای تعالی است، پس هنگامی که آن را یافتید (بدان دست پیدا کردید)، دعا را غنیمت بشمارید.» (طبرسی، 1412ق، ص 317)

### 3-2-5-1-9 گریان نشدن در روز قیامت

فیض کاشانی در کتاب الوافی به نقل از امام باقر(ع) روایت کرده که: «كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ أَعْيُنٍ، عَيْنُ بَكْتٍ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ بَاتَتْ سَاهِرَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ هرچشمی در روز قیامت گریان است مگر سه چشم، چشمی که از خوف خدا می‌گرید و چشمی که از حرام‌های خدا بسته می‌شود و چشمی که به عنوان شب زنده‌داری در راه خدا بیدار است.» (کلینی، 1407ق، ج 2، ص 80؛ ابن بابویه، 1413ق، ج 1، ص 318؛ فیض کاشانی، 1406ق، ج 8، ص 880؛ کرجکی، 1353ش، ص 34؛ طبرسی، 1344ش، ص 155)

### 3-2-5-1-10 خنده در آخرت، ثمره گریه از خوف خدا

گریه از خوف خدا نه تنها موجب گریه نکردن در قیامت می‌شود بلکه برعکس چنین گریه‌ای خنده در آخرت را به همراه خواهد داشت.

ورام بن ابی فراس در مجموعه خود در طی حدیثی قدسی از قول خدای تعالی آورده: «وَعِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ كَرَمِي وَسَعَةِ رَحْمَتِي لَا تَبْكِي عَيْنٌ عَبْدٍ فِي الدُّنْيَا مِنْ مَخَافَتِي إِلَّا أَكْثَرَتْ ضَحِكَهُ فِي الْآخِرَةِ؛ به عزت و جلال و کرم و وسعت رحمت، چشم بنده‌ای در دنیا از خوف من گریه نمی‌کند مگر اینکه زیاد می‌کنم خنده‌اش را در آخرت.» (ورام بن ابی فراس، 1410ق، ج 1، ص 86)

نکته: این حدیث قدسی نشان می‌دهد گریه از خوف خدا نوعی بهجت و سرور با خود به همراه خواهد داشت که حقیقت این بهجت و سرور در آخرت به صورت خنده رخ می‌نماید.

دفع یک شبهه: ممکن است برخی تصور کنند که چه معنا دارد از خدایی که این همه در مورد مهربانیش خواننده و شنیده‌ایم، بترسیم؟ مگر خداوند همچون ظالمین است که باید از او ترسید؟

پاسخ شبهه: ترس به دو شکل متصور است: گاه انسان از حضور در برابر شخصیتی احساس ناامنی کرده و برخلاف میل باطنیش در مقابل او کرنش می‌کند تا از شر او در امان بماند؛ اما گاه انسان در عین اینکه از بودن در کنار شخصیتی احساس امنیت می‌کند لیکن ابهت و جذبیه وی باعث می‌شود که یک نوع ترس تحسین برانگیزی نسبت به آن شخصیت در او ایجاد شود به طوری که از روی اختیار و با کمال میل تلاش می‌کند در حضور وی مؤدب بوده و مرتکب تخلفی نشود و حتی در عین ترس، دوست دارد هرچه بیشتر به وی نزدیک شود تا مورد توجه و تکریم او واقع شود و حتی گاه، اشک شوقی از دیدار با وی از چشمش سرازیر می‌شود.

آنچه در اینجا مشاهده می‌شود شیفتگی در برابر ابهت و هیمنه و جذبۀ وی است که در روایات از آن به خوف تعبیر شده است؛ گریه از خوف خدا نیز از همین قسم اخیر است.

### 3-2-6 گریه از ترس گناه

آنچه از خنده در قیامت گفته شد مربوط به گریه از خوف خدا بود اما نوع دیگری از گریه است که آن هم خنده آخرتی را به دنبال خواهد داشت و آن گریه از ترس گناه است.

صاحب عیون اخبار الرضا(ع) از امام رضا(ع) و ایشان از امام صادق(ع) روایت کرده اند: كَمْ مِمَّنْ كَثُرَ بَكَاءُهُ عَلَى ذَنْبِهِ خَائِفًا يَكْثُرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الْجَنَّةِ مَسْرُورَةً وَ صَاحِكَةً؛ چه بسا کسی که گریه‌اش بر گناهش از روی ترس زیاد است، در روز قیامت در بهشت شادمانی و خنده‌اش زیاد می‌شود. (ابن بابویه، 1378ق، ج 2، ص 184)

به نظر می‌رسد گریه از ترس گناه نیز همچون گریه از خوف خدا سروری را در قلب ایجاد می‌کند که دنیا ظریفیت نشان دادن این سرور را ندارد لذا در ظرف قیامت و بهشت، این شادمانی و سرور نمایان می‌شود.

### 3-2-7 گریه حسرت و ندامت

گفتیم که گریه خشوع و گریه از خوف خدا محافظ و نگهدارنده قلب است. حال اگر کسی از روی کاهلی و سهل انگاری مرتکب گناه شود و صفحه قلب را مکدر نماید، گریه حسرت و ندامت علاوه بر گریه خوف از خدا، پاک کننده آثار این گناهان خواهد بود.

در مستدرک الوسائل از امام صادق(ع) روایت شده: «عبدالله بن مسعود از کنار مردی می‌گذشت که داشت به زنی نگاه می‌کرد به صورت مرضی که به آن مرض (پس از توبه) بازگشته بود(از نگاه بد به نامحرم که در او به صورت مرض در آمده بود، توبه کرده و سپس دوباره به این کار زشت روی آورده بود) به او گفت: اگر دو چشمت کور شود بهتر از آن است که به مرض خود عودت کنی و همت نمی‌گارد چشمی در نگاه به آنچه برحذر داشته شده مگر اینکه گره‌ای در قلبش از آرزو ایجاد می‌شود و آن برطرف نمی‌شود مگر به یکی از دو حالت: یا به گریه حسرت و ندامت با توبه حقیقی و یا بهره گرفتن از آن آرزو و نگاه به او؛ پس اگر از آن بهره گرفت و غیر توبه را پسندید، جایگاهش در آتش است و اگر توبه کرد و گریه کرد با حسرت و ندامت از آن، جایگاهش در بهشت است.» (نوری، 1408ق، ج 14، ص 270)

حضرت عیسی(ع) در توصیه‌هایی که به حواریون کرده، یکی از راه‌های گسستن گره نگاه به نامحرم را گریه حسرت و ندامت با توبه صادقانه دانسته است. (جعفر بن محمد(ع)، 1400ق، ص 10)

### 3-2-11 گریه هنگام تلاوت قرآن

سیره ائمه اطهار(ع) اینگونه بود که به هنگام تلاوت قرآن محزون شده و گریه می‌کردند. در مورد امام موسی بن جعفر(ع) روایت شده که: «كان(ع) احسن الناس صوتاً بالقرآن فكان اذا قرأ يحزنُ و بکی السامعون لتلاوته و كان يبکی من خشية الله حتى تخضل لحيته بالدموع؛ (امام موسی بن جعفر(ع) صوت قرآنش از همه مردم نیکوتر بود و هنگامی که قرآن می‌خواند محزون می‌شد و شنوندگان از تلاوتش به گریه می‌افتادند و (خود امام نیز) از خوف خدا گریه می‌کرد تا اینکه محاسنش از اشک‌ها تر می‌شد.» (مجلسی، 1403ق، ج 49، ص 94؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، 1379ق، ج 8، ص 318)

در مورد سایر ائمه نیز در روایات چنین اشاراتی شده است.



لازم به ذکر است که گرچه گریه به هنگام تلاوت قرآن از موارد گریه حزن می باشد لیکن به دلیل اهمیت موضوع، آن را به صورت جداگانه آورده ایم.

### 3-2-12 گریه هنگام مصیبت

در من لا یحضره الفقیه از قول امام صادق(ع) روایت شده که: «هر کس از حزن می باشد که با روی آوردن مصیبتی او را دست داده است بر خویشتن نگران باشد و بترسد که آسیبی به او رسد یا دچار جنون و هلاکت شود باید گریه کند که گریه غم و اندوه او را آرامش می بخشد. (ابن بابویه، بی تا، ج 1، ص 272)

همانگونه که ذکر شد گریه هنگام مصیبت شرایطی دارد و آن این است که از هر گونه فریاد و بی تابی و ناسزاگویی به دور باشد. البته همانگونه که بیان شد صبر در هنگام مصیبت به مفهوم اشک نریختن که نشانه سنگدلی است نمی باشد چرا که رسول خدا (ص) فرموده اند: «از نشانه های شقاوت، خشکی چشم (از گریه) است» (کلینی، بی تا، ج 3، ص 397) لیکن آنچه مذمت شده فریاد زدن و جزع و فزع و گفتن سخنان زشت و ناروا می باشد؛ از امام علی(ع) روایت شده هنگامی که ابراهیم (فرزند پیامبر) مرد... رسول خدا بر او گریه کرد پس مسلمانان هم به همراه او گریستند تا اینکه صدای مردان بلند تر از زنان شد پس رسول خدا آنها را از آن به شدت نهی کرد: «حتی ارتفعت اصوات الرجال علی اصوات النساء فنهاهم رسول الله أشد النهی» و فرمود: چشم می گرید و قلب محزون می شود ولی سخنی که خشم پروردگار را بر انگیزد نمی گویم: «و قال لا تدمع العين و یحزن القلب و لا نقول ما یسخط الرب» (ابن حیون، 1385ق، ج 1، ص 224) و نیز روایت شده: پیامبر(ص) هنگام مرگ بعضی از فرزندان گریه کرد پس گفته شد: ای رسول خدا گریه می کنی و حال آنکه تو ما را از گریه کردن نهی می کنی! پس فرمود: از گریه نهیتان نکردم ولی از گریه بلند و ضجه آور نهی کردم در حالی که این فقط رقت قلب و لطافت و رحمت است که خداوند تبارک و تعالی در قلب هر کس از خلقش که بخواهد قرار می دهد و خداوند رحمت می کند هر کس را که بخواهد. (همان، ص 225)

بنابر این، روایتی نداریم که در آن از اشک ریختن بر میت نهی شده باشد؛ آنچه نهی شده بی تابی و به سر و صورت زدن و فریاد و ناسزاگویی می باشد.

### 3-2-13 گریه بر نفس

نفس انسان دائماً درگیر گناهان و موهومات است که پاکسازی آن یکی از وظایف انسان های الهی و مؤمن است؛ از جمله راه های پاکسازی نفس از گناهان و موهومات گریه بر نفس با حالت شکوه نزد خدای تعالی است؛ این امر می تواند یکی از عوامل محافظت از نفس و جلوگیری از ورود اینگونه پلیدی ها باشد.

گریه بر نفس می تواند باعث کنترل خواهش های انسان و ایجاد اعتدال در برآوردن خواسته های مثبت و طبیعی گردد. ابو حمزه ثمالی روایت می کند که علی بن الحسین(ع) در شب های معمولی ماه رمضان نماز می خواند پس هنگامی که سحر می شد فلان دعا را می خواند. سپس به ذکر دعای مربوطه می پردازد که در بخشی از این دعا از خداوند درخواست می کند: «أَعِنِّي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي؛ کمک کن که بر نفسم گریه کنم.» (کفعمی، 1405ق، ص 596؛ مجلسی، 1423ق، ص 98)

نکته: در این روایت امام سجاد(ع) برای گریه بر نفسش از خداوند درخواست کمک می کند؛ معلوم می شود که گریه بر نفس از انواع گریه های دیگر معنوی همچون گریه خشوع و گریه از خوف خدا سخت تر می باشد چرا که در این گریه ابتدا باید به جستجوی نفس خود پرداخت و گناهان را یافت و سپس برای از بین بردن و یا جلوگیری از

این گناهان گریه کرد لیکن به دلیل پیچیدگی نفس انسان، یافتن این گناهان کار دشواری می‌باشد چرا که باید در عین اینکه متهم است، قاضی خود نیز باشد، لذا باید از خداوند درخواست کمک کرد.

### 3-2-15 گریه بر امام حسین(ع)

از جمله گریه‌هایی که می‌توان از آن به عنوان محافظ و سلاح قلب مؤمن در نظر گرفت، گریه بر امام حسین(ع) است. چرا که گریه بر این امام همام(ع) گناهان را پاک می‌گرداند.

از امام رضا(ع) روایت شده: «فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِي الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ؟» بر مثل حسین(ع) باید گریه کنندگان گریه کنند که قطعاً گریه بر او گناهان بزرگ را فرو می‌ریزد.» (شیخ حرعاملی، 1409ق، ج 14، ص 504؛ ابن بابویه، 1376ش، ص 128؛ فتال نیشابوری، 1375ش، ج 1، ص 169)

تنها انسان‌ها نیستند که بر امام(ع) می‌گیرند بلکه در روایات آمده که همه مخلوقات بر این امام(ع) گریه می‌کنند از جمله فرشتگان و آسمان و زمین. (ابن قولویه، 1356ش، ص 76 و 81 و 96)

گریه بر امام حسین(ع) آنچنان اهمیت دارد که به حداقل آن یعنی تباکی نیز در صورت عدم موفقیت در گریه سفارش شده است؛ همانگونه که ذکر شد تباکی یعنی تکلف در گریه؛ به بیان دیگر خویشتن را به گریه وا داشتن و یا حالت گریه کردن به خود گرفتن؛ شاید دلیل این امر جلوگیری از بی‌تفاوتی و به تبع آن سنگ‌دلی در هنگام یاد امام(ع) باشد.

نه تنها در مورد گریه بر ابی عبدالله(ع) توصیه به تباکی شده بلکه در حالت سجده و درخواست حوائج از خداوند نیز به این امر تأکید شده است.

از امام صادق(ع) روایت شده: «اگر از امری ترسیدی یا حاجتی اراده کردی پس شروع کن به (یاد) خدا و بزرگش بدار و آنچنان که اهلس هست نثایش بگو و درود بفرست بر پیامبر(ص) و حاجتت را درخواست کن و خود را به گریه بینداز و لو مثل (به اندازه) سر مگسی که پدرم می‌فرماید: «قطعاً نزدیکترین حالتی که بنده به رب عزوجل نزدیکتر است سجده با حالت گریه است.» (کلینی، 1421ق، ج 4، ص 333؛ ابن فهد حلی، 1407ق، ص 173)

روایت دیگری قریب به همین مضمون از امام صادق(ع) آمده که می‌فرماید: «إِنْ لَمْ يُجِئَكَ الْبُكَاءُ فَتَبَاكٍ فَإِنَّ خَرَجَ مِنْكَ مِثْلُ رَأْسِ الذُّبَابِ فَبِحْ بَحْ؛ اگر گریه‌ات نیامد، خود را به گریه وادار کن که اگر مثل (به اندازه) سر مگسی از تو (اشک) خارج شود پس خوشا بحالت خوشا بحالت.» (کلینی، 1407ق، ج 2، ص 484؛ طبرسی، 1370ق، ص 317)

گریه بر امام حسین(ع) نیز گرچه از موارد گریه حزن است لیکن به همان دلیل ذکر شده در مبحث «گریه هنگام تلاوت قرآن» آن را به صورت مجزا مورد بررسی قرار داده ایم.

## 4-فصل سوم

### 4-3 انواع گریه از نظر ارزشی

تقسیم بندی دیگری نیز در زمینه گریه می‌توان انجام داد و آن تقسیم گریه به گریه ممدوح، مذموم و مباح است و گریه ممدوح و مذموم نیز به مستحب، واجب، مکروه و حرام تقسیم می‌گردند. بنابراین کلیه احکام خمسه در مورد گریه جاری است.

## 4-3-1 گریه ممدوح

گریه ممدوح شامل گریه ای می شود که مرضی خدا بوده و اجر و پاداش الهی را در بر خواهد داشت؛ این نوع گریه را می توان به گریه واجب و مستحب تقسیم نمود.

## 4-3-1-1 گریه واجب

در این زمینه بار دیگر آیه 82 سوره توبه را یادآور می شویم؛ این آیه که در مورد متخلفین شرکت در جهاد است، می فرماید: « فَلْيُضْحَكُوا قَلِيلًا وَ لْيُنْكُوا كَثِيرًا؛ از این رو آنها باید کمتر بخندند و بسیار بگریند (چرا که آتش جهنم در انتظارشان است).»

بیضاوی در انوار التنزیل خود گفته: به صیغه امر آورده تا دلالت کند که آن حتمی واجب است. (بیضاوی، 1418ق، ج 3، ص 92)

ابن عجبیه در البحر المدید نیز به همین مطلب اشاره داشته است. (ابن عجبیه، 1419ق، ج 2، ص 412) صاحب تفسیر احسن الحدیث گفته: این یک امر و دستور واقعی نیست بلکه به (در) حکم یک صبر است. (قریشی، 1377ق، ج 4، ص 285)

نویسنده تفسیر المیزان نیز گفته: «ممکن است بعضی این دو امر یعنی « فَلْيُضْحَكُوا » و « وَ لْيُنْكُوا » را حمل کنند بر امر مولوی و بگویند: این دو امر دو تکلیف از تکالیف شرعی را نتیجه می دهد ولیکن این حمل با جمله « جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ □□□ » سازگار نیست. (طباطبائی، 1417ق، ج 9، ص 359) وی همچنین منظور از کم خندیدن را همان خوشحالی ناپایدار دنیوی و منظور از گریه زیاد را گریه در آخرت و در عذاب دوزخ تعبیر کرده است. (همان) مفسرین اهل سنت می گویند (فلیضحکوا و لیبکوا) امر غائب هستند و به معنای مضارع می باشند؛ یعنی خنده منافقین قلیل و گریه شان کثیر خواهد بود.

جمعی از مفسرین نیز گفته اند که در دنیا که مهلتش اندک است بخندید ولی در آخرت که دائمی است گریان خواهید بود

برخی از مفسرین نیز همانگونه که گفته شد این امر را نوعی توبیخ و تهدید می دانند .

ضمن احتمال صحت نظریات فوق ، به نظر میرسد رأی صائب، تحریم خنده و وجوب گریه در آن موقعیت باشد؛ چرا که عدم گریه پس از آن تمرّد، نشان از شقاوت و سنگدلی بیش از حد این افراد است تا چه رسد به اینکه بخندند؛ لازم است گریه کنند تا شاید خداوند از تقصیرات آنان در گذرد و یا عذابشان را تقلیل دهد؛ بنابر این، این گریه نوعی تنبیه از سوی خداوند است؛ تنبیهی که در دل آن رحمت الهی نهفته است و آن رحمت همان گذشتن از تقصیرات و یا تقلیل عذاب خواهد بود که پاداش گریه ندامتشان در دنیا است؛ آیا سعی در جلب غفران الهی و یا درخواست کاهش عذاب از سوی متمرّدین از جهاد، به دلیل همین ترمّدشان واجب نیست؟ عدم وجوب این امر به معنی آن است که عمل سوء مهمی از سوی آنان صورت نگرفته، بلکه یک امر مستحبی را ترک گفته اند و حال آنکه موضوع مورد نظر خلاف این مطلب را ثابت می کند.

صاحب اطیب البیان در تفسیر آیه 109 سوره اسراء که می فرماید: « وَ يَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَ

يَزِيدُهُمْ خُشُوعًا □□□؛ آنها (بی اختیار) به زمین می افتند و گریه می کنند و (تلاوت این آیات، همواره) بر خشوعشان می افزاید.» تقسیم بندی دیگری را در مورد بکاء ممدوح ذکر کرده و گفته: «بکاء ممدوح سه قسم است؛ یکی بکاء از خوف عذاب و یکی بکاء به شوق ثواب که گفتند مؤمن باید بین خوف و رجاء باشد و سیم بکاء در مقابل عظمت و کبریایی الهی و حقارت و صغارت خود که بکاء انبیاء و ائمه از این باب بوده. (طیب، 1378ش، ج 8، ص 321)

البته همانگونه که ملاحظه می‌شود این تقسیم بندی در زمینه گریه انسان در ارتباط با خداست و شامل گریه‌های ممدوح دیگر نمی‌شود لذا جامع و کامل نیست؛ گریه از خوف عذاب و گریه به شوق ثواب همان است که از آن به «گریه برای یادآوری بهشت و جهنم» یاد کردیم و گریه در مقابل عظمت خدا همان گریه خشوع و گریه از خوف خداست که ذکر شد.

#### 4-3-1-2 گریه مستحب

بسیاری از گریه‌هایی که تاکنون برشمردیم از جمله گریه خشوع، گریه هنگام تلاوت قرآن، گریه بر امام حسین (ع)، گریه از خوف خدا، گریه حسرت و ندامت، گریه برای یادآوری بهشت و جهنم در این قالب جای می‌گیرند.

#### 4-3-2 گریه مباح

برخی گریه‌ها تأثیری در آخرت انسان نداشته و دارای ثواب و عقاب نیست. همچون گریه بچه‌ها که این گریه تأثیری در سعادت و شقاوت اخروی وی نداشته و ثواب و عقابی بر آن مترتب نیست.

#### 4-3-3 گریه مذموم

##### 4-3-3-1 گریه حرام

روایت شده که گریه کردن بر میت در هنگام نماز، نماز را باطل می‌کند. «أَنَّ الْبُكَاءَ عَلَى الْمَيِّتِ يَقْطَعُ الصَّلَاةَ» (ابن بابویه، 1413ق، ج 1، ص 317؛ فیض کاشانی، 1406ق، ج 8، ص 808؛ شیخ حرعاملی، 1409ق، ج 7، ص 247) همچنین از امام صادق (ع) در مورد گریه در نماز سؤال شد، فرمودند: «گریه در نماز اگر (به دلیل) ترس از خدای تعالی و ترس از آتش باشد جائز است و عمدتاً و سهواً (نماز را) باطل نمی‌کند و اگر برای امور دنیا باشد جائز نیست و نماز را باطل می‌کند، فرقی نمی‌کند که گریه بر او غالب شود یا نه». (مجلسی، 1404ق، ج 12، ص 55)

##### 4-3-3-2 گریه مکروه

در روایات اسلامی گریه به نحو جزع و فزع مکروه شمرده شده مگر برای امام حسین (ع)؛ در کامل الزیارات به نقل از امام صادق (ع) آمده: «إِنَّ الْبُكَاءَ وَالْجَزْعَ مَكْرُوهٌ لِلْعَبْدِ فِي كُلِّ مَا جَزَعَ مَا خَلَا الْبُكَاءَ وَالْجَزْعَ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فَإِنَّهُ فِيهِ مَأْجُورٌ؛ قطعاً گریه به همراه جزع و فزع (بی‌تابی و ناشکیبایی) بر بنده در هر آنچه بی‌تابی می‌کند مکروه است به جز گریه به همراه بی‌تابی بر حسین بن علی (ع) که قطعاً در آن اجر داده می‌شود.» (ابن قولویه، 1356ق، ص 100) شاید دلیل جواز ناشکیبایی بر امام حسین (ع)، شدت مصیبت وارده بر این امام همام (ع) باشد که با هیچ مصیبتی قابل مقایسه نبوده و نخواهد بود.

گریه حيله (گریه فریبنده) و گریه ناخالص (گریه از روی عجب) از جمله انواع گریه‌های مذموم به شمار می‌آیند.

## 5- فصل چهارم

### 5-1 حد و مرز گریه

گریه گرچه نعمتی است که نشأت گرفته از رحمت بیکران حضرت حق جل و علا است لیکن در حیظه‌های گوناگون دارای حد و مرزی است که رعایت آن لازم و ضروری است.

#### 5-1-1 حد و مرز گریه برای میت

در روایات، گریه بر میت امری مستحب شمرده شده ولی از بی‌تابی و جزع و فزع جلوگیری به عمل آمده و ضمن ذکر کراهت این عمل، آن را از ناحیه شیطان قلمداد کرده‌اند.

در مستدرک الوسائل آمده، زمانی که رقیه دختر پیامبر(ص) رحلت فرمود، زنان بر او گریه کردند سپس عمر شروع کرد با شلاقش آنها را زد؛ پیامبر دست او را گرفت و گفت ای عمر بگذار گریه کنند و به زنان گفت بر حذر باشید از فریاد زجرآور شیطان. سپس فرمودند: مَهْمَا تَكُن مِنَ الْعَيْنِ وَالْقَلْبِ فَمِنَ اللَّهِ وَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ مَهْمَا تَكُن مِنَ الْيَدِ وَاللِّسَانِ فَمِنَ الشَّيْطَانِ؛ اگر (آن سوز دل) از چشم و دل بود (دلت سوخت و اشک جاری شد) پس از خداست و از رحمت (الهی) است و هرگاه از دست و زبان بود (به خود زدن و حرف زشت زدن) پس از شیطان است. (نوری، 1408ق، ج 2، ص 467)

در این روایت، ذکر رحمت بودن اشک حکایت از استحباب گریه بر میت دارد ولی ذکر شیطانی بودن بی‌تابی و جزع و فزع (به خود زدن و حرف زشت زدن) حاکی از کراهت این امر دارد.

صاحب دعائم الاسلام از علی(ع) روایت کرده که رسول خدا(ص) هنگام مرگ یکی از فرزندان گریه کرد پس گفته شد: ای رسول خدا؛ گریه می‌کنی و حال آنکه تو ما را از گریه کردن نهی می‌کنی. پس گفت: از گریه نهیتان نکردم ولی از گریه با صدای بلند و ضجه‌وار نهی کردم در حالی که این، فقط رقت و لطافت (قلب) و رحمت است که خداوند تبارک و تعالی در قلب هرکس از خلقش که بخواهد قرار می‌دهد و خداوند رحمت می‌کند هرکس را که بخواهد. (ابن حیون، 1385ق، ج 1، ص 225)

ابن شعبه حرانی در تحف العقول روایت کرده که: «از رسول خدا در مورد علامت‌های جاهل سؤال شد فرمود: «إِنْ بَكَى خَارًا؛ اگر گریه کند فریاد می‌زند (و در اثر فریاد سست و ضعیف می‌شود)». (ابن شعبه حرانی، 1404ق، ص 19)

نکته: لازم به ذکر است که لفظ خَارَ هم در معنی فریاد زدن بکار می‌رود و هم در معنی سست و ناتوان شدن، انتخاب این کلمه از سوی رسول خدا(ص) نشان می‌دهد انسانی که فریاد می‌زند و بی‌تابی می‌کند به تدریج سست و ناتوان می‌شود و چنین شخصی که پس از این همه بی‌تابی کردن به چیزی دست نمی‌یابد و نمی‌تواند باعث زنده شدن میت شود لذا ساکت می‌شود و این ناشی از جهل وی و عدم شناخت و معرفتش نسبت به منشأ و سرانجام هستی است چرا که اگر معرفت کافی نسبت به مرگ و صدور آن از سوی خدای متعال داشت به گریه تنها و گفتن انا لله و انا الیه راجعون کفایت می‌کرد؛ ضمناً همین بی‌تابی و سستی پس از فریاد زدن می‌تواند یکی از دلایل کراهت این امر باشد.

#### 5-1-2 حد و مرز گریه بر نفس

از سفارشات خداوند به حضرت موسی(ع) این بود که: «تا هنگامی که در این دنیا هستی بر خویشتن گریه کن.» (کلینی، 1407ق، ج 8، ص 48)

این روایت نشان می‌دهد که لحظه به لحظه عمر انسان باید برای محاسبه نفس و گریه بر خویشتن غنیمت شمرده شود.

همچنین در زمینه چگونگی این گریه روایتی است از امام صادق(ع) که ضمن بیان مجموعه‌ای از نصایح خداوند به حضرت عیسی(ع)، یکی از این نصایح را این چنین نقل می‌کند: «یا عیسی ابن البکر البتول، إِبْکِ عَلَی نَفْسِکَ بُکَاءَ مَنْ وَدَّعَ الْاَهْلَ وَ قَلَى الدُّنْیَا وَ تَرَکَهَا اَهْلِهَا وَ صَارَتْ رَغْبَتُهُ فِیْمَا عِنْدَ اِلٰهٍ؛ ای عیسی پسر بکر بتول، گریه کن بر نفست مانند گریه کسی که از خانواده‌اش خداحافظی می‌کند و بعضی شدیدی نسبت به دنیا دارد و آن را به اهلش وا می‌گذارد و شوقش بدان چیزی است که در نزد خدای اوست.» (کلینی، 1407ق، ج 8، ص 132؛ ابن بابویه، 1376ش، ص 515؛ ابن قار یاغدی، 1429ق، ج 2، ص 316)

خداوند در این دو روایت تکلیف گریه بر نفس را مشخص و حد و مرز آن را دقیقاً معین کرده است لذا شخصی که شروع به گریه بر نفس می‌کند باید خود را برای رسیدن به این قله آماده سازد.

### 3-1-5 حد و مرز گریه از خوف خدا

قبلاً روایاتی را یادآور شدیم که گریه بر میت نباید با فریاد و صدای بلند باشد. اما روایتی داریم که گریه از خوف خدا و به طور کلی هنگام مناجات با خدا را از این امر مستثنی کرده و نشان می‌دهد که در این حالت می‌توان صدا را به حالت شیون بلند کرد.

حارث همدانی می‌گوید: «داخل شدم بر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب(ع)، در حالی که او در سجده گریه می‌کرد تا اینکه شیون و آه و زاری کرد (نجیب زد) و صدایش به گریه بلند شد.» (بحرانی، 1374ش، ج 5، ص 608)

همچنین در زمینه کمیت این گریه نیز روایتی است از امام علی(ع) در نهج البلاغه که در آن یکی از صفات ذاکرین را طُولُ الْبُکَاءِ عُیُونُهُمْ معرفی می‌نماید یعنی گریه چشمشان طولانی است. (نوری، 1408ق، ج 11، ص 247)

در مورد شیوه گریستن در پیشگاه خداوند نیز در دعای کمیل می‌خوانیم: «وَلَا بُکِیْنَ بُکَاءَ الْفَاقِدِیْنَ؛ و قطعاً گریه می‌کنم همچون گریه کسی که خدای خود را از دست داده است.» (طوسی، 1411ق، ج 2، ص 847؛ ابن طاووس، 1376ش، ج 3، ص 335)

بنابراین گریه در پیشگاه خدا حد و مرز خاصی ندارد چه در زمینه ارتفاع صوت و چه در زمینه طول مدت آن، لیکن شیوه این گریستن در حد نهایی همچون گریه فاقدین می‌باشد یعنی همچون کسی که خدای خود را از دست داده است. البته در قسمت حد و مرز گریه در فراق به این نکته اشاره خواهد شد که هنگام ارتفاع صوت بهتر است رعایت عرف صورت گرفته و رضایت اطرافیان لحاظ گردد. همچنین طول مدت آن نباید به حدی باشد که ما را از حیات معاش و روابط اجتماعی باز دارد.

### 4-1-5 حد و مرز گریه در فراق

گریه در فراق اشخاص، امری طبیعی است و نشان از شدت محبت انسان نسبت به آنان دارد و گاه، شدت فراق، گریه همراه با ناله و آه و زاری را به همراه دارد که در این صورت برای رعایت عرف و ادبیت نشدن دیگران مصالحه صورت می‌گیرد.

روایتی است از امام صادق(ع) که می‌فرماید: اما فاطمه فَبَكَتْ عَلَی رَسُولِ اللّٰهِ حَتّٰی تَأْذَى اهل المَدِیْنَةِ فَقَالُوا لَهَا اَذِیْتِنَا بِكَثْرَةِ دَمَائِكَ اِمَّا اَنْ تَبْكِی بِاللَّیْلِ و اما اِنْ تَبْكِی بالنَّهَارِ؛ اما فاطمه(س) پس گریه کرد بر رسول خدا(ص) تا اینکه اهل مدینه ادبیت

شدند و به او گفتند ما به زیادی گریه تو اذیت شدیم یا شب گریه کن یا روز. (ابن شهر آشوب مازندرانی، 1379ق، ج 3، ص 322)

در مورد حضرت یوسف (ع) نیز روایتی با همین مضمون داریم که قبلاً ذکر گردید. (مجلسی، 1403ق، ج 11، ص 213؛ عیاشی، 1380ق، ج 2، ص 177)

در مورد حضرت آدم (ع) و حضرت داود (ع) نیز چیزی قریب به همین مضامین آمده است. (همان)

بنابراین گرچه گریه در فراق، امر مباحی به نظر می‌رسد لیکن حد و مرز آن این است که ضمن مجاز بودن ارتفاع صوت، رعایت عرف را نیز در نظر داشت. البته گرچه پسندیده است که دیگران درک موقعیت گریه کنندگان را بکنند لیکن به دلیل تفاوت‌های فردی بهتر است با اهالی شهر و یا منطقه مصالحه شود تا بدین طریق حقوق شهروندی نیز رعایت گردد.

## 6- فصل پنجم

### 6-1 رابطه گریه و تفکر

#### 6-1-1 گریه در کنار تفکر

چنانچه گریه انسان از روی تفکر صورت گیرد این امر بر معرفت انسان افزوده و می‌تواند تحولی عمیق در فرد ایجاد کند به گونه‌ای که هر مقدار تفکر و به تبع آن معرفت انسان به هنگام گریه بیشتر و عمیق‌تر باشد درصد این تحول در رفتار و سکنت وی بیشتر شده و در عالم عین قابل شهود است؛ و برعکس هر مقدار تفکر و معرفت انسان ضعیف‌تر باشد درجه اثربخشی گریه، بر نفس انسان و رفتار وی ضعیف‌تر خواهد بود به گونه‌ای که افزایش کمی آن (گریه) نمی‌تواند تأثیر چندانی در این تحولات داشته باشد ضمن اینکه این نوع گریه‌ها چون جنبه احساسی داشته و عاری از هر گونه تفکر است، همین امر باعث می‌شود به دلیل عدم استقلال فکری به تفکرات نادرست دیگران گرایش یافته و در نهایت به انحراف کشیده شود.

بر همین اساس است که رسول اکرم (ص) که می‌فرماید: *وَ اَكثَرُوا التَّفَكُّرَ وَ الْبُكَاءَ لَا تَخْتَلِفَنَّ بِكُمْ الْاَهْوَاءُ*؛ تفکر و گریه را زیاد کنید که هواهای نفسانی در شما آمد و شد نکند. (مجلسی، 1403ق، ج 70، ص 81؛ کراچکی، ج 1، ص 344؛ پاینده، بی‌تا، ص 617؛ قضاعی، 1361، ص 324)

از این روایت معلوم می‌شود که تفکر و گریه لازم و ملزوم یکدیگرند به طوری که عدم هر کدام از این دو، باعث غلبه هوای نفس بر انسان می‌شود.

ما متفکرین زیادی داریم که به دلیل عدم گریه و سر فرود نیابردن در برابر خدا، به انحراف کشیده شدند؛ همچون بسیاری از متفکرین غربی و روشنفکران داخلی و در مقابل، افرادی نیز هستند که علاوه بر گریه در مقابل خدا به دلیل تفکرات متحجرانه راه انحراف پیمودند و برخی نیز مسیر تاریخ را دگرگون ساختند همچون خوارج که از قاتلین امام معصوم شدند و یا کسانی که با غضب خلافت و در نهایت با ایجاد فاجعه کربلا، مردم را از نعمت عظیم حاکمیت معصومین محروم ساختند.

### 6-1-2 گریه شاخصه افراد متفقه و ژرف اندیش

امام علی (ع) در روایتی، طلاب علم را به صنوف مختلف تقسیم می‌کند و یکی از این صنوف را افراد دارای تفقه (ژرف

اندیشی) و عمل، معرفی کرده و در بیان خصوصیات این گروه، زیادی ترس (از خدا) و گریه (برای خدا) را از جمله این خصوصیات بیان داشته‌اند. (حلوانی، 1418ق، ص 68)

از روایت یاد شده نیز فهمیده می‌شود گریه زیاد زینده انسان‌های متفکر و ژرف اندیش است. متفکرینی که با ازدیاد معرفت، گریه‌شان افزایش می‌یابد. اصولاً پی بردن به حاکمیت مطلق الهی که شاخصه متفقهین در دین است، هر لحظه بر خشوعشان در مقابل ذات حق جل و علا می‌افزاید و با افزوده شدن خشوع، اشک، که لازمه آن است از چشمانشان سرازیر می‌شود و به همین دلیل، قرآن کریم، خشوع را که از مقدمات مهم کثرت بکاء است از مشخصات علما دانسته و می‌فرماید: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؛ از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او می‌ترسند.» (فاطر/28)

## 7- نتیجه گیری

همانگونه که ذکر شد گریه نیز همچون خنده، موهبتی الهی است که نه تنها برای تقرب به ذات اقدس حق، بلکه برای حفظ تعادل جسمی و روانی انسان لازم و ضروری به نظر می‌رسد. گریه در حیطه‌های گوناگون به انواع مختلف تقسیم می‌شود که مهمترین آن، انواع گریه از نظر ارزشی می‌باشد که خود به گریه ممدوح و مذموم و مباح و گریه ممدوح و مذموم نیز به مستحب و واجب و مکروه و حرام تقسیم می‌گردد. در میان انواع گریه‌ها گریه از خوف خدا از برجستگی خاصی برخوردار است و دارای آثار و برکات زیادی می‌باشد؛ علت این برجستگی آن است که گریه از خوف خدا در برگرفته گریه‌های ممدوح دیگر نیز خواهد بود. همچنین گریه بر نفس از همه گریه‌ها دشوارتر است زیرا نیاز به موشکافی طیبانه بر نفس دارد. حد و مرز گریه نیز در حیطه‌های مختلف، متفاوت است. در مورد گریه بر میت سفارش شده که از بی‌تابی و فریاد و گریبان چاک کردن پرهیز نمایند چرا که این اعمال ناشی از جهل انسان است؛ در زمینه گریه از خوف خدا و گریه بر امام حسین(ع)، گریه همراه با ضجه و فریاد بر طبق روایات مانعی ندارد بلکه مخصوصاً در مورد گریه بر امام حسین(ع) صاحب چنین امری مأجور شمرده شده است.

ضمناً در روایات به طولانی بودن و کثرت بکاء در مورد گریه از خوف خدا سفارش شده است. گریه با تفکر ارتباط مستقیم دارد به گونه‌ای که با افزایش تفکر بر معرفت انسان افزوده شده و با افزایش معرفت گریه انسان تعمیق بیشتری یافته و باعث تحول عمیق در رفتار و روح و روان انسان شده و به فعالیت‌های انسان جهت مثبتی می‌بخشد و در عوض گریه بدون تفکر جنبه احساسی داشته و انسان به دلیل عدم تفکر و یا عدم استقلال فکری، به تفکرات موهوم دیگران گرایش می‌یابد و همین امر باعث انحراف وی از مسیر حق می‌شود.



## 8- منابع

### کتابها:

- [1]. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی
- [2]. ابن بابویه، محمد بن علی، 1378ق، عیون اخبار الرضا(ع)، تهران: نشر جهان.
- [3]. \_\_\_\_\_، 1413ق، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [4]. \_\_\_\_\_، 1376ش، الامالی، تهران: نشر کتابچی.
- [5]. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، 1385ق، دعائم الاسلام، قم: نشر موسسه آل البيت(ع).
- [6]. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، 1404ق، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
- [7]. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، 1379ق، مناقب آل ابی طالب(ع)، قم: نشر علامه.
- [8]. ابن طاووس، علی بن موسی، 1376ش، الاقبال بالاعمال الحسنه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- [9]. \_\_\_\_\_، 1409ق، اقبال الاعمال، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- [10]. ابن عجبیه، احمد بن محمد، 1419ق، البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره: دکتر حسن عباسی زکی.
- [11]. ابن العربی، محمد بن عبدالله بن ابی بکر، بی تا، احکام القرآن، بی جا.
- [12]. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، 1407ق، عده الداعی و نجاح الساعی، بی جا: دارالکتب الاسلامی.
- [13]. ابن قاریاغدی، محمدحسین، 1429ق، البضاعه المزجاء، قم: نشر دارالحديث.
- [14]. ابن قولویه، جعفر بن محمد، 1356ش، کامل الزیارات، نجف اشرف: نشر دار المرتضویه.
- [15]. \_\_\_\_\_، بی تا، کامل الزیارات، مترجم: ذهنی تهرانی، محمد جواد، تهران: انتشارات پیام حق.
- [16]. بحرانی، سید هاشم ابن سلیمان، 1413ق، مدینه معاجز الائمة الاثنی عشر، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
- [17]. \_\_\_\_\_، 1374ش، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: نشر موسسه بعثه.
- [18]. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، بی تا، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الاقوال، قم: نشر موسسه الامام المهدي(عج).
- [19]. بیضاوی، عبدالله بن عمر، 1418ق، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [20]. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، 1410ق، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتب الاسلامی.
- [21]. جعفر بن محمد(ع)، 1400ق، مصباح الشریعه، بیروت: نشر اعلمی.
- [22]. حرعاملی، محمدبن حسن، 1409ق، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت.
- [23]. حسینی شیرازی، سیدمحمد، 1424ق، تقریب القرآن الی الاذهان، بیروت: نشر دارالعلوم.
- [24]. حلوانی، 1408ق، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، زهده الناظر و تنبیه الخاطر، قم: مدرسه الامام المهدي(عج)
- [25]. حمیدی، عبدالله بن جعفر، 1413ق، قرب الاسناد، قم: موسسه آل البيت(ع).
- [26]. خزاز رازی، علی بن محمد، 1401ق، کفایه الاثر فی النصّ علی الائمة الاثنی عشر، قم: نشر بیدار.
- [27]. خصیبی، حسین بن حمدان، 1419ق، الهدایه الکبری، بیروت: نشر بلاغ.

- [28]. دیلمی، حسن بن محمد، 1412ق.، ارشاد القلوب الی الصواب، قم: نشر الشریف الرضی.
- [29]. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، 1412ق.، المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت: نشر دارالعلم الدار الشامیه.
- [30]. زمخشری، محمود، بی تا، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بی جا، نشر دارالکتب العربی.
- [31]. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، 1419ق.، ارشاد الادهان الی تفسیر القرآن، بیروت: نشر دارالتعارف للمطبوعات.
- [32]. سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، 1380ق.، تفسیر سورآبادی، تهران: فرهنگ نشر نو.
- [33]. شعیری، محمد بن محمد، بی تا، جامع الاخبار، نجف: نشر مطبعه حیدریه.
- [34]. طباطبایی، سیدمحمدحسین، 1417ق.، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [35]. طبرسی، حسن بن فضل، 1412ق.، مکارم الاخلاق، قم: نشر الشریف الرضی.
- [36]. \_\_\_\_\_، 1372ش.، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- [37]. \_\_\_\_\_، 1344ش.، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، نجف: نشر المكتبه الحیدریه.
- [38]. طریحی، فخرالدین، 1375ش.، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- [39]. طوسی، محمد بن الحسن، 1411ق.، مصباح المتجهد و سلاح المتعبر، بیروت: نشر موسسه فقه الشیعه.
- [40]. طبیب، سیدعبدالحسین، 1378ش.، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
- [41]. عدهای از علما، 1423ق.، الاصول الستة عشر، قم: نشر موسسه دارالحديث الثقافیه.
- [42]. عیاشی، محمد بن مسعود، 1380ق.، تفسیر العیاشی، تهران: نشر المطبعه العلمیه.
- [43]. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، 1375ش.، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم: انتشارات رضی.
- [44]. فیض کاشانی، ملامحسن، 1418ق.، الاصفی فی تفسیر القرآن، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- [45]. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، 1406ق.، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین (ع).
- [46]. قرشی، سید علی اکبر، 1377ش.، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت قمی، علی بن ابراهیم، 1404ق.، تفسیرالقمی، قم: نشر دارالکتاب.
- [47]. قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا، 1368ش.، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات
- [48]. قضائی، محمدبن سلامه، 1361ش.، شرح فارسی شهاب الاخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص)، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی
- [49]. کراچکی، محمد بن علی، 1353ش (1394ق).، معدن الجواهر و ریاضه الخواطر، تهران: نشر المكتبه الرضویه.
- [50]. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، 1405ق.، المصباح للكفعمی (جنه للامان الواقیه)، قم: دار الرضی (زاهد).
- [51]. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، 1407ق.، الکافی، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- [52]. کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، 1429ق.، کافی، قم: دارالحدیث
- [53]. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، 1404ق.، کتاب المؤمن، قم: موسسه الامام المهدي (عج).
- [54]. گنابادی، سلطان محمد، 1408ق.، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد، قم: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- [55]. لیثی واسطی، علی بن محمد، 1376ش.، عیون الحکم و المواعظ، قم، دار الحدیث.
- [56]. مازندرانی، محمدصالح بن احمد، 1382ق.، شرح الکافی - الاصول و الروضه، تهران: نشر المكتبه الاسلامیه.
- [57]. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، 1404ق.، مرآه العقول فی شرح اخبار الرسول، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- [58]. \_\_\_\_\_، 1403ق.، بحار الانوار، بیروت: نشر دار الوفاء.

- [59]. \_\_\_\_\_، 1423ق.، زاد المعاد- مفتاح الجنان، بيروت: نشر موسسه الاعلمى للمطبوعات.
- [60]. مصطفوی، حسن، 1360ش.، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- [61]. \_\_\_\_\_، 1368ش، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي
- [62]. مظهری، محمد بن ثناءالله، 1412ق، التفسير المظهری، پاکستان: مکتبه رشديه
- [63]. مغنيه، محمدجواد، 1424ق، تفسير الكاشف، تهران: دارالکتب الاسلاميه
- [64]. مفضل بن عمر، توحيد مفضل، بی تا، ترجمه مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
- [65]. مفید، محمد بن محمد، 1413ق.، الاختصاص، قم: المؤتمر العالمي لالغیه الشیخ المفید.
- [66]. نحاس ابو جعفر، احمد بن محمد، 1421ق.، اعراب القرآن، منشورات محمد علی بیضون، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- [67]. نوری، حسین بن محمدتقی، 1408ق.، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل البيت(ع).
- [68]. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، 1410ق.، مجموعه ورام، قم: مکتبه فقیه.

### سایت ها:

- [69]. امین ، ( June19/2009 )، فیزیو لوژی، سایت پزشکان بدون مرز، بازیابی شده در  
http://www.pezeshk.us/?p=16952 ، آدرس: december 28/2012